

خان نامه

تحقیقی در عشایر کهگیلویه و بویراحمد (دوران خان‌خانی)

جواد صفایی نژاد

آشنائی با منطقه

کهگیلویه منطقه‌ای است کوهستانی بوسعت حدود ۱۵۴۰۰ کیلومتر مربع که بین دو استان فارس و خوزستان واقع شده است، مناطق مرتفع و شمالی منطقه ((سرد سیر)) و مناطق کم ارتفاع جنوبی منطقه ((گرمسیر)) نامیده میشود.

در محدوده جغرافیائی منطقه شش ایل زندگی (نقشه شماره ۱) مینمایند که بزرگترین و قدرتمندترین آنها ایل بویراحمد است. بیش از حدود ۲۰۰ سال نیست که ایل بویراحمد بقدرت رسیده است و در واقع جانشین ایل بزرگ نوئی شده است که قبلا در این منطقه سکونت داشتند با وجود این بیشتر جمعیت و بیشترین زمین‌های کهگیلویه (جدول شماره یک) در دوران خان‌خانی بتصرف این ایل در آمد و بقدری دامنه نفوذش در این منطقه زیاد شد تا آنجا که اکنون منطقه «کهگیلویه» را منطقه «کهگیلویه و بویراحمد» مینامند.

۱- این یادداشت‌ها نتیجه پژوهش‌هایی است که نگارنده از سال ۱۳۴۵ تاکنون در بخش بررسیهای عشایری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در منطقه کهگیلویه و بویراحمد بعمل آورده است.

جدول شماره ۱

تقسیمات ایلی منطقه کبگیلویه بتفکیک مساحت و درصد جمعیت هرایل

نام منطقه	(کیلومتر مربع) وسعت	درصد مساحت	درصد جمعیت
بویراحمد ۲	۶۴۴۰	۴۱٫۸	۴۹
باشت و بابوئی	۲۹۸۰	۱۹٫۳	۱۳٫۵
چرام	۶۱۰	۴	۳
طیپی	۱۶۷۰	۱۰٫۸	۱۳
دشمن زیاری	۹۸۰	۶٫۴	۴٫۵
بهبشی	۲۷۲۰	۱۷٫۷	۱۷
کبگیلویه	۱۵۴۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

هرایل در محدوده جغرافیائی معینی زندگی مینماید و دارای تقسیمات ایلی مشخصی نیز هست. در این منطقه هر ایل به چند «تیره» و هر تیره به چند «طایفه» و هر طایفه به چند «اولاد» یا «دعه» و هر لادیاده به چند «خانوار» تقسیم میگردد.

واحد عینی ایل «مال» است. مال عبارتست از چند خانوار که در ده مسکونی همسایه وار و در یک نقطه ای که چادر میزنند. در سیاه چادرهایی در کنار هم زندگی میکنند افراد یک مال اغلب با هم خویشاونداند. محل مسکونی خانوارهای مال هنگامیکه در چادر بسر میبرند ثابت نیست و بدنبال مرتع از نقطه ای بنقطه دیگر تغییر جامیدهند ولی این خانوارها اگر در محلی در چادر بسر برند در محل دیگر حتماً دارای خانه های مسکونی میباشدند. بعبارت دیگر اگر تمامی افراد ایل را بدو دسته تقسیم نمایم خانه های مسکونی عده ای در سردسیر و خانه های مسکونی عده ای در گرمسیر است. تعداد کمی از خانوارها هم در سردسیر و هم در گرمسیر دارای اماکن مسکونی هستند و بندرت خانوارهایی یافت میشوند که دارای خانه مسکونی نباشند.

در سال ۱۳۴۶ که براساس ساختمان ایلی (توسط پژوهشگران بخش عشایری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران) از این ایلات سرشماری بعمل آمد مجموع جمعیت منطقه حدود ۴۱۰۰۰ خانوار بود که ۴۴ درصد آن اسکان یافته و ۵۶ درصد بقیه کوچ میکردند. ولی اکنون این جمعیت

۲- منطقه بویراحمد محل سکونت ایل بویراحمد است که خود به سه قسمت بویراحمد سفلی، بویراحمد علیا و بواحد گرمسیر تقسیم میشود.

۳- جمعیت و ششاسنامه ایلات کبگیلویه براساس اولاد، طایفه، تیره و سایر مشخصات هرایل، شماریوز ۱۳۴۷، صفحه ۷.

ایلات کبکیلویه و تعیینات مرز و برآمد



حدود ۵۳۲۰۰ خانوار برآورد میگردد.

خان در راس هرم قدرت قرار داشت، خانوار گسترده‌خان که باشبکه ازدواج باخان‌های دیگر و کدخدایان بزرگ مرتبط میگشت توسط عمده‌زیادی عمله و اگره از قبیل تفنگچی، پیشخدمت، آشپز، چوپان، انباردار، مامور و... حمایت میشد، که در مجموع به آنها «نوکر باب» یا «مالخانی» میگفتند. میرزا در راس این گروه قرار داشت و عملاً فرماندهی آنها را به عهده داشت.

میرزا مورد اطمینان خان بود و گروه‌های فوق‌الذکر همه افراد منتخب و نمونه‌ای بودند که خان از تیره‌های طوایف ایل خود بدقت انتخاب میکرد و همگی از سفره خان منتفع گشته و خانواده آنها از دادن مالیات نیز معاف بودند. در بویراحمد سفلی ۱۵۲ خانوار بنام مالخانی‌های سرچنار به‌مراه خانوارده خان بویراحمد سفلی به سرد سیر و گرمسیر کوچ میکردند. در سال ۱۳۴۶ در تیره «تامرادی» بویراحمد سفلی عمده نوکر باب تا مرادی به حدود ۵۰۰ خانوار میرسید که مردان این خانوارها را از سیزده اولاد مختلف انتخاب نموده بودند و ۳۶ خانوار آن از نوکرهای مخصوص کدخدای تامرادی بودند و تقریباً تمام آنها (۹۶٪) به‌مراه افراد تیره تا مرادی کوچ میکردند.

در منطقه کبکیلویه صرفنظر از طوایفی که «سید» هستند و مورد احترام عامه مردم میباشند عمده معدودی «کی»ها میباشند که نسل اندر نسل «کی» بوده و کلمه کی

۴- میزان رشه جمعیت در این منطقه ۳۹ است.

۵- صفحه ۱۳۷ جمعیت و شناسنامه ایلات کبکیلویه.

با اسم کوچک آنها همراه است، مانند «کی خورشید»، «کی سالار»، «کی عطا» و... کدخدایان و خان‌ها از این تیره میباشند خانی و کدخدائی و بطور کلی فرماندهی با این دسته است و دسته دوم که تقریباً تمامی گروههای ایلی را تشکیل میدهند «کا»ها میباشد که کلمه «کا» بانام کوچک آنها همراه است مانند «کابهرام»، «کافیروز»، «کادهراب» و... میرزاها گروه پاسواد منطقه بودند و معمولاً در زیر چتر حمایت خان با درآمد سرشاری برتق وقتی امورخان میپزداختند.

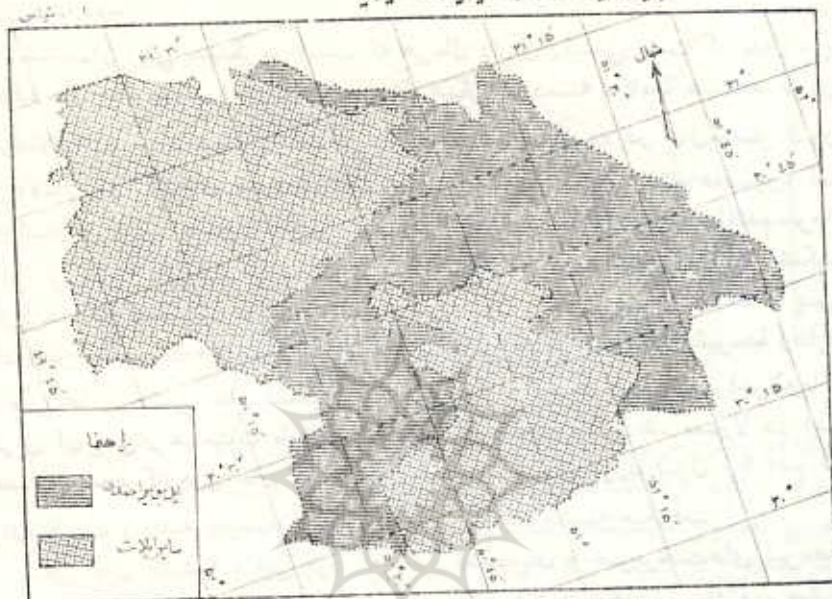
ساختمان ایلی بدینطریق است که هر مال دارای رئیس است که بدان «ریش سفید» مال میگویند و این ریش سفیدان همگی از دسته «کا»ها هستند، شورای «سرمالان» در مورد مسائل اجتماعی اولاد تصمیم میگیرد. در حال حاضر شورای سرمالان برای کارهای ضروری مال از قبیل تاریخ کوچ، وضع علف‌چر، تعداد کوچ‌کنندگان و... تصمیم میگیرد ولی در گذشته در صورت لزوم نماینده سرمالان در شورای طایفه شرکت می‌جست و به هنگام ضرورت شورای تیره تشکیل میگردد، که کدخدایان «کی»های مختلفی در آن حضور بهم رسانیده و پس از تبادل نظر تصمیمات این شورا در شورای نهائی که از کدخدایان تیره‌ها و طایفه‌ها «کی»ها با حضور خان تشکیل میگردد مطرح گردیده و در مورد اجرا و یا عدم اجرای آن پس از مباحثات طولانی تصمیم لازم اتخاذ میگردد. معمولاً در این جلسات حدود کارهای خان مشخص و خط مشی خان مورد قبول و یا عدم قبول قرار میگرفت و کلیه پدیده‌های ایلی از همین جا سرچشمه میگرفت.

سعی خان همیشه براین بود که نظر کدخدایان و سرپرست‌های تیره‌ها را با خود موافق نماید و اگر در این راه پیروز میگردد بر قدرتش افزون میشد و عکس آن از قدرتش میکاستد. برای انجام این عمل خان در راه در پیش داشت یکی اینکه از طریق ازدواج‌های بیابانی شبکه خویشاوندی خود را گسترش دهد و یا به توطئه و نفاق در طایفه دست بزند، که منجر به جنگ و خونریزی میشد عرف محل و سنت ایلی درآمدی مستمر برای خان و خانواده‌اش معین کرده بود که حدود آن توسط شورای کدخدایان محدود و یا گسترش می‌یافت ولی این در آمد گاهی بصورت غیر مستمر هم دیده میشد. درآمد غیر مستمر را بیشتر غارت تشکیل میداد ولی درآمد مستمر مالیاتی بود که از تولیدات زراعی و دامی بر اساس ضوابطی اخذ میگردد که مندرجات این مقاله شکل اخذ حقوق مستمرخان را از زبان جمع‌آوری کنندگان آن بیان میدارد.

مطالب فوق‌الذکر همگی در مورد ایلات ششگانه کهگیلویه تقریباً صادق بود ولی بطوریکه از ارقام جدول شماره یک، شامل فهرست ایلات و مشخصات جمعیتی و وسعت منطقه هر یک از ایلات برمیآید، ایل بویراحمد نزدیک به نیمی از جمعیت منطقه را شامل گردیده و وسعتش به تنهایی کمی از وسعت تمامی ایلات

دیگر کمتر است (نقشه شماره ۲) از اینرو خان بویراحمد بواسطه قدرت نسبی خود نسبت به ایلات دیگر تقریباً «ایلخان» منطقه بوده و تمامی منطقه تاحدودی به تصمیمات و نظریات خان بویراحمد گردن می‌نهادند که خود مورد بحث جداگانه است.

قلمرو ایل بویراحمد نسبت به سایر ایلات کهگیلویه



منطقه کهگیلویه بخصوص کهگیلویه شرقی که محل نشیمن ایل بویراحمد است در گذشته شاهد جنگها و خونریزیهای فراوانی بوده است. نزاعهای داخلی برای کسب قدرت و جنگهای ایلی برای گسترش هر چه بیشتر سرزمینهای تصرفی و قتل و غارتهای درون ایلی بقدری عمومیت داشت که تقریباً تمامی افراد ایل در این ستیزه جوئینها شرکت می‌جستند. در حال حاضر افراد بسیاری را در سنین مختلف و در طوایف مختلف بانام «غارتی» مشاهده میکنیم که نام آنها یادگار غارت طایفه است. صدها خاطره از این زدخوردگیهای درون ایلی و برون ایلی هنوز در اذهان اهالی باقی است.

این زدخوردها و قتل و غارتها تا سال ۱۳۴۲ در منطقه مشاهده میگردد ولی در این سال بخاطر اجرای قوانین اصلاحات ارضی و مخالفت خان کهگیلویه با این قوانین، زدخورد مسلحانه‌ای بین ایلخان کهگیلویه «عبداله ضرغامپور» و قوای ژاندارمری روی داد که سرانجام به‌کشته شدن آخرین خان منجر گردیده و بساط خان خانی پایان رسید.

درآمدهای خان بویر احمد

درآمدهای خان تحت عنوان «مالیات خان» به تشخیص و ممیزی میرزاها و با همکاری کدخدای آبادی همه ساله تخمین و صورت برداری شده با اطلاع خان میرسید و پس از دستور خان مأمورین خان به جمع آوری آن میپرداختند، معمولاً درآمدهای خان را میتوان به درآمدهای مستمر و غیره مستمر تقسیم نمود، مقاله حاضر بیشتر به بیان درآمدهای مستمر میپردازد و درآمدهای غیرمستمر که اساس آنرا «غارت» تشکیل میداد مورد بحث جداگانه‌ای است.

درآمدهای مستمر

درآمدهای مستمر خان، درآمدهائی بودند که بطور دائم و براساس سنت ایلی دریافت شده به انبار خان برده میشد، این درآمدها عبارت بودند از:

درآمدهای جنسی.

محلیان میگفتند: «زمین از آن خان بود مازمین خان را عیگاشتیم و مالیات آن را میدادیم». شکل گرافتن این مالیات براساس خیش شماری استوار بود.

خیش شماری. مأمورین خان دهات منطقه را خیش شماری میکردند، یعنی صورت تمامی گاوکار خانوارهای ساکن درده مشخص میشد و هر جفت گاوکار را یک خیش محاسبه مینمودند. مقدار زمینی که هر خیش کشت مینمود مشخص بود و معمولاً «هرخیش» زمین را «چهاربار» برآورد میکردند که سه بار آن گندم و یک بار آن جو بود.

هر بار گندم برابر با ۱۰ کیز^۶

هر بار جو برابر با ۱۰ کیز

هر کیز گندم برابر با ۱۱ کیلو

هر کیز جو برابر با ۸ کیلو

بنابراین خیش زمینی است برابر با پذیرباش حدود ۳۳۰ کیلوگرم گندم به اضافه پذیرباش حدود ۸۰ کیلوگرم جو. با این محاسبه هر خیش زمین، زمینی است حدود ۴۰۰ کیلو گرم پذیرباش که تقریباً حدود ۳ تا ۳۵ هکتار محاسبه میگردد.

همه ساله میرزای خان به همراه کدخدای محل و چند نفر دیگر وارد مزارع زیر کشت شده بازدهی محصول زمین را تخمین میکردند. مثلاً اگر یک تخم پنج تخم گندم و یک تخم شش تخم محصول جو را برآورد میکردند محصول هر خیش

۶- کیز واحد اندازه گیری حجم در این منطقه است و آن طرفی است جوی که براز محصول مورد نظر نموده و نسبت به وزن مخصوص آن سنجیده میشود.

کامی بجای «کیز» «تضیز» بکار برده میشود ولی بیشتر کیز برای واحد وزن و قضیز برای واحد سطح بکار برده میشود که در واقع تماماً واحد وزن در پذیرباش سطح است. اجزاء آن «شک» است و هر شش شک را یک کیز محاسبه مینمایند.

زمین مشخص میگردد. این شکل مالیات گرفتن از زمان رضاشاه بعد بوجود آمد، در صورتیکه قبل از آن مقدار وصول بمراتب بیش از آن بود، زیرا: قبل از سلطنت رضاشاه از هر خیش زمین حدود یک خروار جو و گندم (۳۳ قفیز، $\frac{۳}{۴}$ گندم پلچو) مالیات گرفته میشد، در زمان رضاشاه میزان این مالیات به ۱۶ قفیز و ۲ شک گندم و ۸ قفیز و ۴ شک جو تغییر کرد (۲۵ قفیز، هر قفیز ۶ شک).

در مورد بویراحمد سنغلی و نقاط مشابه بواسطه داشتن آب، مالیات برنج ثابت و مشخص بود ولی گندم را «زین» میزدند یعنی میرزا و کدخدا و مأمور بازده زمین را تخمین و «کبهری» میکردند یعنی چانه میزدند و قطعی مینمودند. $\frac{۱}{۵}$ از محصول کبهری شده (۲۰٪) سهم خان بود. از ۲۰٪ سهم خان

$\frac{۱}{۱۰}$ سهم میرزا، $\frac{۱}{۱۰}$ سهم کدخدایان ثابت و اسکان شده و $\frac{۱}{۱۰}$ سهم مأمور بود یعنی اگر ۱۰۰۰ من محصول تخمین شده بود ۲۰۰ من سهم خان و از ۲۰۰ من سهم خان ۲۰ من سهم میرزا، ۲۰ من سهم کدخدا و ۲۰ من سهم مأمور میشد. جمعاً ۶۰ من. بنابراین سهم قطعی خان ۱۴۰ من میگردد.

۲۷٪ مالیاتی که از محصول میگرفتند و تا قبل از اصلاحات ارضی اجرا میشد در زمان رضاشاه بوجود آمد (۲٪ میرزا، ۵٪ کدخدا، ۲٪ مأمور و ۱۸٪ سهم خان) سهم کدخدا از ۲٪ در مالیات قبلی به ۵٪ افزایش یافت و ظاهراً این افزایش حقوق کدخدایان بخاطر تشویق آنها به اسکان شدن صورت گرفته بود، ولی کدخدایان کوچک و در گرمسیر دهشتک سببی چون گذشته میبردند زیرا در گرمسیر از هر خیش ۲۵ قفیز مالیات گرفته میشد.

در منطقه «سررود» بویراحمد علیا بواسطه فراوانی آب مالیات برنج خان ثابت بود، این مالیات از زمان خداکرم خان (فوت ۱۲۹۰ هجری) وضع و در قسمت رودخانه یعنی سررود بویراحمد علیا و دررود بویراحمد سنغلی بطور ثابت به اجراء گذارده شده بود (نیمه دوم قرن سیزدهم هجری).

مقدار محصول هر خیش زمین و مالیاتی که بدان تعلق میگرفت چنین محاسبه میگردد:

یک خیش زمین = سه بار گندم + یک بار جو

بدر یک خیش زمین = ۳۳۰ کیلو گندم + ۸۰ کیلو جو

بازدهی یک خیش زمین = $۵ \times ۳۳۰ + ۶ \times ۸۰$ تخم جو

محصول یک خیش زمین = ۱۶۵۰ کیلو گندم + ۴۸۰ کیلو جو

وقتی محصول یک خیش زمین مشخص گردید و هر فرد هم در صورت خیش شماری، تعداد خیش هایش معین بود برداشت محصول هر فرد در سال مورد نظر مشخص و بر اساس برداشت محصول هر آبادی محاسبه میگردد.

عرف محل مالیات محصول و نحوه این تقسیم را چنین مشخص نموده بود:

سهم میرزا	۲٪ از کل محصول
سهم کدخدایان	۵٪ از کل محصول
سهم مأمورین جمع آوری	۲٪ از کل محصول
سهم خان	۱۸٪ از کل محصول
جمع	۲۷٪ از کل محصول

براین اساس مالیات یک خیش زمین مشخص و سهم «سهم بران» فوق‌بندین

ترتیب معین میگردد:

نام سهم‌بر	سهم گندم	سهم جو
سهم میرزا	۳۳ کیلو	۹۶ کیلو
سهم کدخدایان	۸۲٫۵ کیلو	۲۴ کیلو
سهم مأمورین جمع آوری	۳۳ کیلو	۹۶ کیلو
سهم خان	۲۹۷ کیلو	۸۶٫۴ کیلو
جمع	۴۴۵ کیلو	۱۲۹٫۶ کیلو

سهم میرزا و کدخدایان محاسبه و از کل محصول در محل برداشت میگردد. سپس ۲۰٪ باقیمانده به انبار خان تحویل میگردد و سهم مأمورین و مأمورین جمع آوری مالیات از انبار خان داده میشوند.

برای آگاهی از مقدار مالیات هر ده لازم بیادآوری است که:

ده مهربان که در کنار یاسوج واقع شده و جزء تیول خان بویسراحمد علیا بحساب میآید. براساس یک سرشماری رسمی دارای ۸۰ خیش گاو بود.

(صورت خیش شماری قریه مهربان در تاریخ ۱۳۴۱/۵/۱۳۴۱)

اسناد مختلفی که از سالهای مختلف در دست است نوسان تعداد خیش‌های سرحدی را تا ۵۰ و خیش‌های گرمسیری را تا ۴۰ خیش نشان میدهد، یعنی از سالی به سالی دیگر سطح زیر کشت نوسان می‌یافت که از ۴۴ تا ۵۹ خانوار به کشت آن مبادرت می‌وریدند. معمولا تمامی ۸۰ خیش گاورا گندم و جو میکاشتند، مگردهاتی که آب فراوانی داشتند و مقداری از آنرا به کشت برنج اختصاص میدادند.

براساس بازدهی قبلی زمین که مورد محاسبه قرارگرفت سهم هر یک از سهم بران مشخص میگردد. ولی در اینجا بایستی یادآور شد که تمامی خیش‌های یک ده مالیات نمی‌پرداختند و در اصطلاح محلی «گاو معافی» داشتند و عده افراد گاو معافی دار معمولا به ۱/۲ کل خیش‌داران میرسید.

گاو معافی. خانوارهایی که مورد توجه خان بودند، خانوارهایی که مرد آنها در جنگ‌های ایلی بفرمان خان شرکت کرده و کشته شده بودند، بستگان نزدیک خان، تفنگچی‌ها و عمله‌هایی که در خانه خان کار میکردند، میرزاهای کس‌خداها، عده‌ای از سادات و کسانی که در جنگ و غارت رشادتهائی از خود ظاهر

میساختند «گاو معافی» داشتند.

گاو معافی عبارت بود از معاف بودن نیم، يك، یا چند خیش. گاو زمین از پرداخت مالیات یعنی به علل‌های فوق بدستور خان میرزا دستخطی مبنی بر معاف بودن مالیات زمین خانوار مورد نظر را صادر نموده به مهربان ممبرور نموده و ثبت در دفتر مالیاتهای خان می نمود. خانواری که دارای چنین دستخطی بودند اندر نسل تازمانی که خانی در آن خاندان باقی بود از پرداخت مالیات معاف بودند. و اگر کسی برای جمع‌آوری مالیات مراجعه میکرد، دستخط خان را نشان داده و کسی مزاحم آنها نمیشد.

بذل و بخشش‌های میرزا

هنگامی که میرزا از طرف خان برای ممیزی به ده مورد نظر میرفتند، به‌همراه کدخدا و صاحب مزرعه بمیان محصول میرفتند تا مقداری محصول را براساس يك تخم چند تخم تخمین نمایند، در تمام این مدت صاحب محصول به‌رزبانی و به‌رشکلی از بدی محصول سخن میگفت. هنگامیکه میرزا از سرزمین به خانه کدخدا مراجعه میکرد پذیرائی شامانه‌ای از او میکردند و میرزا با حضور کدخدا و رئیس سفیدان از روی خیش گاو هر فردی مقدار محصول کشت‌شده هر خانوار را براساس بازدهی زمین (يك تخم چند تخم) معین نموده در دفتری یادداشت میکرد.

در اینجا خویشاوندی، سفارش‌ها، عجز و لابه، حق و حساب و همه چیز دیگر در کار بود. زارعین عشایری که مشمول پرداخت مالیات بودند گاهی شخصا و معمولا دستجمعی حق و حسابهای قابل توجهی به میرزا میدادند و میرزا هم به نسبت دریافتی‌های پولی و بخشی از مقدار تخمینش میکاست و این کاهش تا آنجا با چانه زدن‌ها ادامه می‌یافت که مورد توافق طرفین قرار میگرفت و پس از آن صورت نهائی از محصول ده تهیه و سهم خان مشخص میگردد.

صورت مالیات هر ده توسط میرزا و یا ممیزین دیگری که از طرف خان فرستاده میشد تهیه باطراز خان رسانیده میشد و خان صورت مالیات هر ده را که بامضاء میرزا میرسید برای اجرا و جمع‌آوری محصول توسط مأمورین جمع‌آوری مالیات برای کدخدای هرده فرستاده و معمولا توسط تفنگچی‌ها جمع‌آوری و به مقرخان فرستاده میشد و اگر کسی از پرداخت آن سرپیچی میکرد توسط تفنگچی‌ها توقیف و بزندان خان برده میشد. معمولا تفنگچی‌ها هم بنوبه خود حق و حسابی گرفته و در مقدار مالیات تخفیف مختصری میدادند. در این مورد مشهدی اسمدالله از طایفه طاس احمدی هنگامیکه در گرمسیر دهندهشت بود

به نگارنده چنین گفت:

«من تفنگچی خان بودم، خان مرا میفرستاد که مادیانی از کسی گرفته برای «خان بیرم» طرف کوسفندی بخرد من میداد منم بجای مادیان الاغی از طرف گرفته»
«برای خان میردم و به خان میگفتم «خان، خیلی فقیر بود، چیزی نداشت»

گاهی خان موضوع را هم میفهمید ولی بروی خود نمیآورد و در این مورد حرفی نمی زد. چه میرزها از ا برارخان بااطلاع بودند و تفنگچی ها مأمور حفظ جان خان بودند و خان نمیخواست آنها را ناراضی نماید.

معمولا زمین های دیعی سراسر بزیر کشت گندم و جو میرفت ولی در زمین های آبی امکان کشت محصولات دیگر نیز میرفت و این محصولات عبارت بودند از:

شلتوک، نخود، ماش، لوبیا، عدس و امثال آن که سطح زیر کشت آنها نسبت به گندم بسیار ناچیز بود. در صورت کشت سهم مالیات آنها هم چون گندم و جو محاسبه و گرفته میشد.

درآمد املاک خان

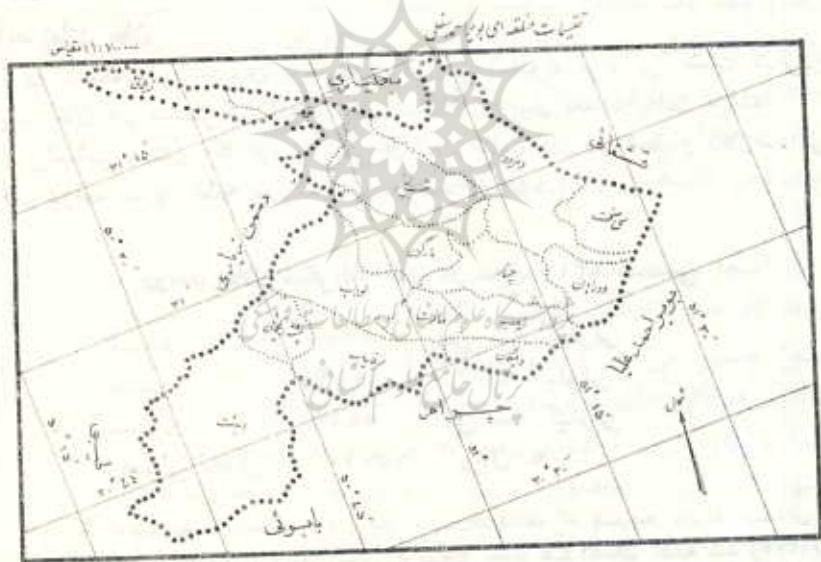
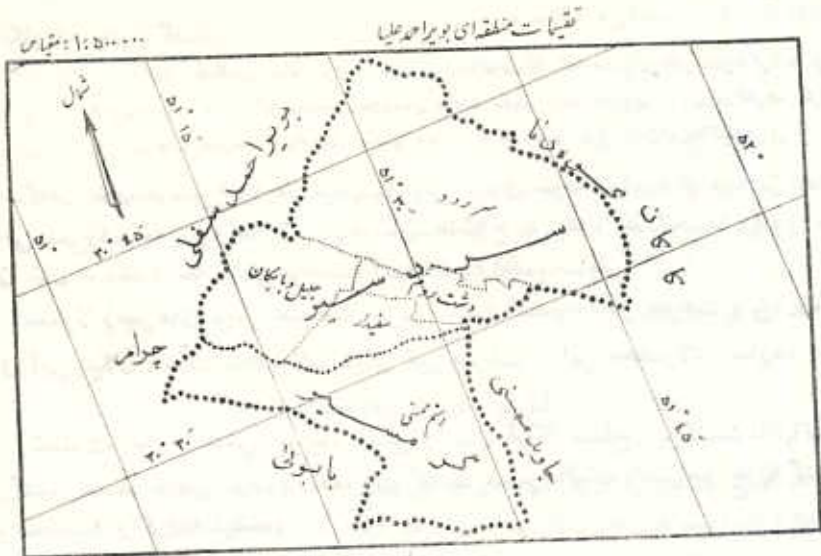
در منطقه سرد سیری بواسطه و فورآب شلتوک فراوانی کشت میکردید و مالیات خان هم بیشتر از گندم، جو، شلتوک و بول نقد دریافت میشد. براساس سندی که توسط یکی از میرزاهای خان در اختیار نگارنده قرار گرفت درآمد خان منطقه بویراحمد چنین مذکور بود.

درآمد املاک شکرالله خان در سال ۱۳۱۷ شمسی

گندم	۵۵۷۰	من سه کیلوئی
جو	۴۵۹۵	من سه کیلوئی
شلتوک	۵۵۸۳	من سه کیلوئی
وصولی نقدی	۱۵۰۰۰	ریال

۷- شکرالله خان «سراغام الدوله» و کریم خان «بهادر السلطنه» که پسرعمو و هر دو مدعی خانی بویراحمد بودند ولی بواسطه اختلافات داخلی کریم خان بدست شکرالله خان کشته شد (۱۳۲۷ قمری)، برای خاتمه دادن به اختلافات خانوادگی آنها و دوستگی که در ایل بویراحمد بوجود آمده بود، سردار جنگ - بختیاری میانجیگری کرده مرز قلمرو دو خان را مشخص نمود که این مرز به «بهر سردار جنگی» معروف است.

- ۱- بهر سردار جنگی سهم شکرالله خان (بویراحمد سفلی) (نقشه شماره ۳).
 - ۲- بهر سردار جنگی سهم سرتیپ خان «هژیر عشایر» (بویراحمد علیا) (نقشه شماره ۴) فرزند کریم خان.
- بدین ترتیب بویراحمد سرحدی بدو قسمت مجزا از هم تقسیم گشت ولی نام علیا و سفلی و شکل قطعی از سال ۱۳۲۰ شمسی بعد متداول گردید.



درآمد املاک کریمخان ۸ در سال ۱۳۱۷ شمسی

تقدی مستقلات ۶۰۰۰ ریال (۲۲ درصد) ۲۷ درصد همیزی، ۵ درصد سهم

۸- قلمرو کریمخان منطقه بویراحمد علیا بود ولی مالیات مستمر خانوادگی اینخان بیشتر از منطقه سرروده جمع آوری میگردد زیرا بویراحمد علیا به مناطق «دشت روم»، «سلسله»، «جلیل» و «سر روده» تقسیم میشد، سررود حاصلخیزترین و پرجمعیتترین مناطق فوق بود که قدرت و نفوذ خان بدالجای بستگی داشت، ولی مناطق دیگر بخاطر کوهستانی بودن سکنه کمی را دارا بود که تحت شرایطی به خان سررود مالیات میدادند.

آذیندا کسر شده، بقیه ۲۲ درصد بهره مالکانه و ممیزی طبق بازبند عبارتست از:

من سه کیلوئی	۲۳۴۴۰۲	گندم
من سه کیلوئی	۱۴۲۲	جو
من سه کیلوئی	۱۶۱	عدس
من سه کیلوئی	۱۰۰۳	نخود
من سه کیلوئی	۶۸۵۴	شلتوک
من سه کیلوئی	۱۳۸۲	ذرت
من سه کیلوئی	۱۳۸۳	ماش

قیمت‌ها در سال ۱۳۱۷

۱۳۲۸ ریال	۱۳۲۱ ریال	گندم هر من سه کیلوئی
۱۳۱۶ ریال	۱۳۴۵ ریال	شلتوک هر من سه کیلوئی
	۰٫۹ ریال	جو هر من سه کیلوئی
	۱۳۵ ریال	نخود هر من سه کیلوئی
	۱۳۵۲ ریال	عدس هر من سه کیلوئی
	۱۳۱۲ ریال	ذرت هر من سه کیلوئی
	۱۳۱۲ ریال	ماش هر من سه کیلوئی

قیمت‌های فوق‌الذکر از اسناد رسمی همان سال منطقه اقتباس شده است، علت اینکه برای گندم و جو دو قیمت ذکر شده این است که قیمت‌ها در اسناد متعلق به دو خان اختلاف داشت.

جدول شماره ۲

درآمد املاک شکراله خان ۹ در سال ۱۳۱۷ شمسی
مخاسبه شده پولی و مطالبات فریبی
(واحد وزن، من سه کیلوئی، ارزش به ریال)

نوع درآمد	مقدار	ارزش هرواحد	ارزش کل
پول نقد	-	-	۱۵۰۰۰
گندم	۵۵۷۰	۱۳۲۱	۷۳۳۹۷
جو	۴۵۹۵	۰٫۹	۴۱۳۵۵
شلتوک	۵۵۸۳	۱۳۴۵	۸۰۹۵۳
جمع	-	-	۳۳۹۷۰

۹- شکراله خان، خان منطقه و سنج بویراحمد سفلی بود، بویراحمد سفلی دارای تیره‌های بزرگ و پرجمعیتی بود که تحت شرایطی هرکدام مالیات جداگانه‌ای به‌شان میدادند، جدول فوق متعلق به املاکی بود که مستقیماً زیر نظر خان اداره میشدند.

جدول شماره ۳ ۲۰ درصد درآمد املاک کریم خان در سال ۱۳۱۷ شمسی
(واحد وزن، من سه کیلویی - ارزش ریال)

نوع درآمد	مقدار	ارزش هر واحد	ارزش کل
پول نقد	-	-	۶۰۰۰
گندم	۳۴۴۰۲	۱ر۳۸	۳۲۳۴۷ر۵
جو	۱۴۲۲	۱ر۶	۲۲۷ر۵
عدس	۱۶۱	۱ر۵۲	۲۴۴ر۷
نخود	۱۰۰۳	۱ر۵	۱۵۰۴ر۵
شلتوک	۶۸۵۴	۱ر۴۵	۹۹۳۸ر۳
ذرت	۱۳۸۲	۱ر۲	۱۶۵۸ر۴
ماش	۱۴۸۳	۱ر۶	۲۲۱۴ر۸
جمع	۳۴۳۶۵ر۴	-	۵۴۱۳۳ر۷
	حدود	-	حدود
	۳۴۴۰۰	-	۵۴۰۰۰

بر اساس سند دیگری که میرزا ابدشیر که خود در گذشته منشی خان بوده در اختیار نگارنده قرارداد درآمد اولاد کریم خان عبارت بوده است از:

جدول شماره ۴ صورت درآمد املاک اولاد کریم خان در سال ۱۳۱۸ شمسی
مطابق ممیزی و دفاتر اداری تل خسروی تا تاریخ ۱۳۱۸ر۸ر۲۵ صورت ۲۰٪ حقوق عمگانه بوزن تبریز ۶۴۰ مثقال

نوع محصول	۲۰ درصد محصول (واحد من ۳ کیلو)	۱۰ درصد محصول (واحد من ۳ کیلو) شده (تبدیل به کیلو)	کل محصول ممیزی
گندم	۳۰۹۷۱	۱۵۰۰۰	۴۶۵۰۰۰
جو	۹۶۴	۵۰۰	۱۵۰۰۰
ذرت	۱۵۰۶۵	۷۵۴۰۰	۲۲۶۲۰۰
شلتوک	۷۵۱۵	۳۸۰۰۰	۱۱۴۰۰۰
ماش	۲۷۱۲	۱۴۰۰۰	۴۲۰۰۰
عدس	۹۶	۵۰۰	۱۵۰۰
نخود	۱۹۲	۱۰۰۰	۳۰۰۰
لوبیا	۱۴	۱۰۰	۳۰۰
جمع	۵۷۵۲۹	۲۸۹۰۰۰	۸۶۷۰۰۰
	حدود	حدود	حدود
	۵۸۰۰۰	۲۹۰۰۰۰	۸۷۰۰۰۰

۱۰- این مقدار ۱۰۰ درصد محصولی بود که در دفتر مالیاتی خان ثبت و بر اساس آن مالیات گرفته میشد، ولی بهیچوجه مشخص کننده تمامی محصول منطقه نبود زیرا سهم گاوعمانیها و بدل و بخشهای میرزا بحساب نیامده است.

اردشیر میرزا برای نگارنده چنین تعریف میکرد:

در سال ۱۳۰۵ شمسی ۲۰ درصد مالیات کل محصول گندم سررود بویر- احمد علیا که به خان داده میشد ۷۰ بار گندم بود که هر بار آن ۱۵ من محلی ۷۲۵ کیلوئی وزن داشت (۷۰ × ۱۵ من محلی × ۷۲۵ کیلو = ۷۶۱۲۵ کیلو در سال ۱۳۱۷ درآمد گندم املاک کریم خان ۲۳۴۴۰۲ من سه کیلوئی برابر با ۷۰۳۲۰ کیلو بود که توسط مأمورین جمع‌آوری شده بود (جدول شماره ۳). در سال ۱۳۱۸ همین درآمد به ۳۰۹۷۱ من سه کیلوئی گندم برابر با ۹۲۹۱۳ کیلو افزایش یافت (جدول شماره ۴).

بعد از رضاشاه از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۷ سهم این درآمد از گندم بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ من تبریز برابر با ۳۰۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰ کیلو گرم ممیزی میگردد. در سال ۱۳۳۰ مالیات ممیزی شده ۲۰ درصد سهم خان حدود ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ من محلی محاسبه گردید (۵۸۰۰۰ تا ۶۵۲۰۰ کیلو) که متوسط آن را میتوان حدود ۶۲۰۰۰ کیلو محاسبه نمود.

براین اساس ۲۰ درصد مالیات جنسی (محصول گندم) سهم خان در منطقه سررود بویراحمد در سالهای مختلف دارای نوسان زیر بود:

جدول شماره ۵

جدول ۲۰ درصد مالیات محصول گندم سهم خان در منطقه

سررود بویراحمد علیا

(واحد وزن کیلوگرم)

مقدار جنسی مالیات

سال

۷۶۱۲۵

۱۳۰۵

۷۰۳۲۰

۱۳۱۷

۹۲۹۱۳

۱۳۱۸

۳۰۰۰۰

۱۳۲۲

۳۶۰۰۰

۱۳۲۷

۶۲۰۰۰

۱۳۳۰

جدول شماره ۶

جدول توزیع ۲۷ درصد مالیات جنسی گندم منطقه سررود بویراحمد علیا بتفکیک درصد سهام، سهام بران (واحد وزن کیلو)

سال	۲۰ درصد سهام خان (تقریبی)	۵ درصد سهام کدخدا	۲ درصد سهام میرزا	جمع ۲۷ درصد مالیات
۱۳۰۵	۸۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۸۰۰	۱۰۸۰۰
۱۳۱۷	۷۰۰۰۰	۱۷۵۰۰	۷۰۰۰	۹۴۵۰۰
۱۳۱۸	۹۳۰۰۰	۲۳۲۵۰	۹۳۰۰	۱۲۵۰۵۰
۱۳۲۲	۳۰۰۰۰	۷۵۰۰	۳۰۰۰	۴۰۵۰۰
۱۳۲۷	۳۶۰۰۰	۹۰۰۰	۳۶۰۰	۴۸۶۰۰
۱۳۳۰	۶۲۰۰۰	۱۵۵۰۰	۶۲۰۰	۸۳۷۰۰

جدول شماره ۷

تخمین برداشت محصول گندم منطقه سررود بویراحمد علیا در سالهای مختلف (واحد وزن کیلو گرم)

سال	مقدار گندم همیزی شده	سهام گاو معاشی و بذل و بخشش میرزا	کل محصول منطقه سررود
۱۳۰۵	۴۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
۱۳۱۷	۳۵۰۰۰۰	۹۵۰۰۰	۴۴۵۰۰۰
۱۳۱۸	۴۶۵۰۰۰	۱۲۵۰۰۰	۵۹۰۰۰۰
۱۳۲۲	۱۵۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۹۰۰۰۰
۱۳۲۷	۱۸۰۰۰۰	۴۸۰۰۰	۲۲۸۰۰۰
۱۳۳۰	۳۱۰۰۰۰	۸۴۰۰۰	۳۹۴۰۰۰

بر اساس اسناد و گفته‌های اردشیر میرزا که خود ممیز و مأمور وصول مالیاتهای خان بوده، ۲۰ درصد سهام مالیات خان در سالهای مذکور مشخص است، ۵ درصد سهام کدخدا و ۲ درصد سهام میرزا را نیز بایستی اضافه کرد

تا ۲۷ درصد جمع مالیاتی که پس از ممیزی جمع‌آوری می‌کردید معین کردید، لازم بیادآوری است که ۲ درصد سهم مأمور یا مأمورین جمع‌آوری مالیات از ۲۰ درصد خان داده می‌شد.

اگر مقدار گاو معافی و بذل و بخشش‌های میرزا را هم بطور تقریب برابر با مقدار مالیات ممیزی شده در نظر بگیریم حدود کل محصول منطقه سررود و بویراحمد علیا طبق جدول شماره ۸ تخمین می‌گردد.

جدول شماره ۸

تخمین برداشت انواع محصولات منطقه سررود
بویراحمد علیا

(واحد وزن کیلو گرم)

نام محصول	۱۳۱۷	۱۳۱۸
گندم	۴۴۵۰۰۰	۵۹۰۰۰۰
جو	۲۵۰۰	۴۰۰۰۰
ذرت	۲۵۰۰۰	۲۸۰۰۰۰
شلتوک	۱۲۲۰۰۰	۱۳۵۰۰۰
ماش	۴۵۰۰۰	۵۵۰۰۰
عدس	۳۰۰۰	۲۰۰۰
نخود	۱۸۰۰۰	۴۰۰۰
لوییا		۱۰۰۰
پول نقد	۲۰۰۰	؟

منشی خان از درآمد خان سخن میگوید

آقای ابوالحسن حسینی آموزگار ساکن یاسوج که خود سالها منشی خوانین و از نزدیک شاهد زندگی خصوصی آنها بوده از وضع خود و درآمد خان‌ها برای نگارنده چنین تعریف می‌کرد:

«از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ در بویراحمد علیا منشی محمدحسین خان طاهری ۱۱ بردم از بدو ورود از تبران از نظر خط و سواد در منطقه بی‌تظیر بودم، به‌نزدن - تفنگچی‌گری - چوب‌بازی - شکار وارد بودم، ممتاز بودم، روی این اصول به‌من محبت می‌کردند و مرا بکار گرفتند.»

«کلیه امور محلی، اختلافات منطقه‌ای و امور دولتی و کارهای اداری خان بعبده من بود. حقوق قاطع نبود گاهی ممکن بود ماهی ۱۰۰۰ تومان بدهند، گاهی ممکن بود هیچ ندهند، روی‌سپرفته حق من بستگی به درآمد خودخان داشت که در سطح منطقه از نظر شادباشی، گله‌گیری و مالیات جمع‌آوری میکرد ما هم بهمان نسبت از آن مزایا برخوردار بودیم.»

درآمدهای خان عبارت بود از:

۱- **خراج و منال خراج و منال املاک** که بوسیله خانواده موسوی که میرزا بودند معیزی میشد و پس از برداشت هر محصول بهره خان مستقیماً به انبارش می‌آمد و صرف هزینه شخصی خان میشد.

۲- **گله‌گیری.** گله‌گیری باین نحو بود که چند مأمور برای هر یک از طوایف تعیین شده و این مأمورین کلیه گوسفندان هر دامدار را شمارش نموده گاهی ۵٪ و گاهی ۲٪ از کل دام شمارش شده را جمع‌آوری و به خان تحویل میدادند. از مجموع گوسفندان جمع‌آوری شده ده یک به میرزا میدادند، ولی اگر مأموری درست کار میکرد خان محبت بیشتری میکرد و گوسفند بیشتری به او میداد ولی اگر سوءاستفاده میکرد خان حقوق کمتری به آنها میداد.

۳- **شاد باش.** شادباش باین ترتیب بود که کلیه کدخدایان و ریش‌سفیدان هر طایفه نزدخان احضار میشدند و فی‌المجلس صورتی تنظیم میکردند که هر طایفه چند خانوار دارند تا به تناسب دارائی خانوارها بعنوان شادباش برای خان پول جمع‌آوری نمایند. برای این منظور مأمورین وصول زیر نظر کدخدا و ریش‌سفیدان به محل اعزام میشدند و پول معین شده را چه بصورت نقدی و چه بصورت جنسی از خانوارها وصول و پس از جمع‌آوری تحویل خان میدادند.

۴- **دیدنی.** خوانین محل در سه نوبت از طوایف خود دیدنی دریافت داشته و بخان تحویل میدادند. این سه نوبت عبارت بود از:

نوبت اول روز عید، نوبت دوم موقع کوچ به گرمسیر، نوبت سوم ورود به سردسیر، اگر کسی دیدنی نمی‌آورد و یا سهل انگاری و یا سرپیچی میکرد مورد غضب خان قرار میگرفت و تنبیه میشد.

دیدنی بیشتر عبارت بود از: گاو، گوسفند، اسب، بره، کبهره و گاعسی فرآورده‌های محلی (روغن، عسل، میوه و...)، فرش، قند و چای و پارچه و لباس.

۵- **عروسی.** خوانین در موقع عروسی خود و یا خانواده خود و یا خطنه‌سوران بچه‌های خانواده آنها به بهانه جمع‌آوری پول ترتیبی میدادند و کلیه ایلات و طوایف را رسماً دعوت میکردند که در جشن مرسوم شرکت نمایند، سران تیره‌ها و طوایف برای نزدیک کردن خود به خوانین سعی میکردند بهترین هدیه را انتخاب و به خان تقدیم نمایند.

۶- **سهام غارت پنج یک** کلیه غارتها و سرقت‌های خارج از محل را بخان میدادند. میرزا هم از غارت سهمی داشت. وی سهمی از سازقین و مقداری هم از

خان میگرفت، سارقین هرچه میدادند مورد قبول میرزا واقع میشد.
۷- هدیه. کلیه افراد سرشناس ایلات و طوایف در موقع عروسی خود یا پسرانشان حتماً هدیه نفیسی از قبیل اسب، قاطر، قالیچه، گلیم، جاجیم و یا قوچ، به خوانین میدادند.
۸- روغن. هرخانوار وظیفه داشت در سال مقداری روغن برای خرج سفره خان نزد خان بفرستد که مقدار آن به تعداد گاو و گوسفند خانوار بستگی داشت.

۹- غارت سلمانی. خان‌ها حساسیت عجیبی به سلمانی‌ها داشتند. هرطایفه دارای یک سلمانی بود. هر سلمانی پس از چند سال کازروکوشش که حدود ۱۰ رأس گاو و حدود ۲۰ رأس گوسفند برای خود تهیه میکرد بدستور خان شبانه غارتش میکردند تا فقیر گردیده و خدمتگزار خان باشد.
۱۰- بیگاری. از نیروی انسانی افراد به اجبار استفاده زیاد مینمود و عملاً مورد نیاز را روی طوایف ضعیف قسمت میکردند و بطورورایگان ساختمان یا قلعه میساخت.

انواع مالیات

مشهدی اسدالله از اولاد آشیری نوئی، که حالا خود را طاس احمدی میدانند، برای نگارنده چنین تعریف میکرد:

«من قبلاً تفنگچی خان بویراحمد بودم، بیشتر شهرها را همراه خان دیده‌ام و یکبار بدستور خان بهمراه یکصد نفر تفنگچی با ایل بهمنی که مخالف ما بودند حدود هفت ماه جنگیدیم تا سرانجام آنها را وادار به تسلیم نمودیم». وی میگفت: «از زندگی خان‌تانی ناراضی بودم، صبح که از خانه بیرون میرفتم بخانواده خود میگفتم ما رفتیم دیگر خود مینداید.»

«سالی هفت نوع مالیات از طرف خان گرفته میشد، این مالیات‌ها عبارت بودند از:»

- ۱- مالیات روغنی اوله تابستان»
- ۲- مالیات پولی تابستان»
- ۳- مالیات مندالی عید نوروز»
- ۴- مالیات غسلی تابستان (نقاط غسل‌خیز)»
- ۵- مالیات زراعی پائیز»
- ۶- مالیات گله‌گیری آخر تابستان»
- ۷- مالیات اسب یا مادیان اگر کسی داشت»

«مالیات بدست میرزای خان جمع‌آوری میشد، میرزا هرطور میخواست مطالبه را بعرض خان میرساند.»

«میرزاها حق و حساب گرفته ثروت افراد را طور دیگر بعرض خان میرسانیدند.»
«خود میرزاها از مالیات جمع‌آوری شده سهمی داشتند، اگر مالیات را بخوشی»

«میدادند که داده بودند وگرنه بزور گرفته میشد، مثلاً میگفتند فلان کس ۲۰۰ گوسفنده دارد مالیات نمیدهد خان دستور میداد ۱۰-۱۲ سواز دورآبادی او را به بندند یکصد»
«گوسفند را برای خان گرفته بقیه را برای خودش بگذارند.»

«یک نفر از مأمورین خان مسؤول جمع آوری عواید يك طایفه بود، بدین ترتیب»
«که مرطایفه ای یک نفر مالیات جمع کن داشت که به حساب و کتاب و درآمد افراد»
«رسیدگی کرده و بر اساس آن مالیات جمع میکرد.»

گله بگیری. گله بگیری عبارت بود از مالیاتی که از گله گوسفند طوایف عشایر تابع خان گرفته میشد، گله بگیری بدین ترتیب اجرا میکردید که هنگامیکه ایل از سرد سیر به گرمسیر و یا از گرمسیر به سرد سیر میرفت، اردوی خان در کنار تنگی که تمامی ایل مجبور بودند از آن تنگ عبور نمایند چادر میزدند.

«تنگ مورصفا» بعد از ارتفاعات «تل ترگه» قبل از وارد شدن «بدشت روم» برای گله بگیری ایل بویراحمد علیا و یا «تنگ پیرزا» که منطقه دهدشت را به «سرفاریاب» متصل مینمود برای گله بگیری ایل بویراحمد سفلی جای مناسبی بود.

هنگامیکه ایل میخواست از این تنگ ها عبور نماید میرزا و مأمورین خان به شمارش گوسفندان که میخواستند از تنگ عبور نمایند میپرداختند، معمولاً ۹۸ گوسفند و بز را شمارش کرده اجازه عبور میدادند و گوسفند و یا بز شماره ۹۹ و ۱۰۰ را مأمورین برای خان میگرفتند و دیگر چاق و لاغر بودن آن مطرح نبود و این عمل را در مجموع «شاخ شماری» مینامیدند و صاحب نظران در منطقه معتقد بودند که گله بگیری از زمان شکرالله خان متداول شده است.

گله بگیری را ممکن بود یکسال بگیرند ولی تا چند سال دیگر نگیرند، گله بگیری همه ساله برای خان بوده است ولی هر موقع در يك جای معینی از منطقه و در يك جا ثابت نبوده است در بویراحمد در هر طایفه ای یکبار در عرض چندسال گله بگیری میکردند ولی گله بگیری در قشباتی ها ثابت بود و تعداد معینی، در جای معینی و زمان معینی گرفته میشد ولی این کار در بویراحمد انجام نمیشد. کدخدایان طوایف با خان در مورد گله بگیری موافقت میکردند و هنگام توافق کدخدایان خان گله بگیری شروع میشد. در زمان خان خانی مردم دام را بیشتر از محصول و زراعت دوست داشتند، روی همین اصل از شاخ شماری نزارحت میشدند ولی جز تسلیم چاره ای نداشتند.

طبق توافقی که بین خان و کدخدایان انجام میگرفت سهم خان از شاخ شماری بین ۱ تا ۳ درصد نوسان داشت ولی معمولاً ۲ درصد گرفته میشد.

توافق جهت گله بگیری بین خان و کدخدایان کوچ روصورت میگرفت (مانند توافق بین خان بویراحمد علیا و دوکی خورشید برومند کدخدای منطقه سفید اربویراحمد). این کدخدایان و طایفه آنها همیشه جایجا میشدند و خان مجبور بود با آنها بتوافق بپردازد. کدخدایان سیار و کوچ رو عم خود دارای میرزا و تفنگچی

جداگانه بودند ۱۳ و گاهی همین کدخدایان بمقام خانی نیز میرسیدند، خان همیشه از این کدخدایان در وحشت بود و معمولا در داخل طایفه افرادی را علیه آنها برمیانیخت تا قدرت آنها را تضعیف نماید و بواسطه وحشت خان بود که هنگام گله‌بگیری حتما موافقت کدخدایان را بدست می‌آورد و گرنه گله‌بگیری عملی نمیشد.

گله‌بگیری از طوایف کدخدایان ثابت سهل‌تر بود چون کدخدایان اسکان یافته متکی بدام نبودند بلکه بستگی بزمین داشتند و این خود برای آنها ضعف ایجاد میکرد ۱۴ و مجبور بودند که نظر خان را بپذیرند و اگر از در مخالفت با خان درمیآمدند بایستی به کدخدایان سیار متوسل شوند. مثلا «برائی»های بویبر احمد سفلی که اسکان بودند متوسل به «کی نصیر بهادر» کدخدای نامرادی میشدند و خواسته‌های کی نصیر را اجرا میکردند. خان بویبر احمد هم که از قضایا آذمی داشت جمع‌آوری مالیات و گله‌بگیری از آنها را به طایفه تا مرادی واگذار نموده و با کدخدای آنها در مورد میزان و تاریخ اجرای مالیات به توافق میرسید، این عمل برای خان دو سود داشت یکی اینکه مالیات سنتی را جمع‌آوری نموده است و دیگر اینکه قدرت نفوذش در حریم ایلی حفظ میگردد.

ارتباطی که بین خان و کدخدا برسر مسائل سنتی ایجاد میگردد همان ارتباط بین کدخدا و ریش سفیدان طایفه برقرار بود و حقیقت این بود که کدخدا ابتدا باریش سفیدان طایفه در مورد جمع‌آوری مالیات و یا گله‌بگیری و یا هر چیز دیگر به توافق رسیده نتیجه توافق آن به توافق کدخدا باخان منجر میگردد. راجع به گله‌بگیری «کاجهرم» ساکن دولت‌آباد سرود چنین میگفت (۱۳۵۲:۲۴):

«در سال ۱۳۳۶ هنگامیکه از کوسر به سردسیر برمیگشتم در سرکچینه، دم‌نکاری دشت روم چادر زده خان، میرزا، کدخدا، و نوکرهای خان همه در آنجا جمع بودند، راه یاریکی بود که گوسفندها بایستی از آنجا بگذرند و راه گریزه نداشتند، من خودم استاده بودم که آدم‌های خان ۹۷ گوسفند شمرده ۳ گوسفند «آخری را برای خان میبردند، اگر کدخدا تسلیف بود ۳ گوسفند را از بهترین» گوسفندها میگرفتند ولی اگر کدخدا با قدرت بود ۳ گوسفند معمولی گرفته میشد.»

«اگر گوسفندی تک میرفت تیراندازی میکردند و گواشتی برای نهار تهیه میگردد.»

«اگر کسی نمیخواست گوسفند به‌خان بدهد بایستی پول آرا بدهد بزجفتی.»

«۸۰۰ ریال، میش جفتی ۱۲۰۰ ریال.»

«اگر کسی حدود ۱۰-۲۰ گوسفند داشت گله‌بگیری شامل او نمیشد.»

دیدنی. کدخدایان برای خان نیز دیدنی میبردند. درایسن باره «ملارشید» کدخدای ده «تل‌زالی» ۱۵ میگفت:

۱۳- میرزا حمید میرزای کدخدای طایفه بابکانی بود، رئیس طایفه (آقای خوبانی) خود سمت کدخدایی خان بویبر احمد سفلی (عبدالله ضرغامپور) را داشت.

۱۴- کدخدای ده احمد غریب و کدخدای ده مهربان و دهات امثال آن چنین وضعی را داشتند.

۱۵- ملارشید رستمی‌زاده از شهریور ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۲ میرزا و کدخدای عمل‌های خان بویبر احمد علیا بوده و حدود ۳۰۰ خانزار عمده گوش‌بزرگ فرمان او، بودند.

در سال ۱۳۲۷ که ایل میخواست به گرمیسیر برود «کی خورشید برومند» کخدای قاعد گیویهای ساکن سنیدار بدیدن محمدحسین خان (طاهری) در سررود آمد. کی خورشید ۴۰ بره بعنوان دیدنی برای خان آورده بود ولسی خان قهر کرد و نگرفت سپس کی خورشید یک راس اسب و یک راس قاطر بدان اضافه کرد تا مورد قبول واقع گردید.

طایفه گودسرابی ساکن ده فیروزآباد رسم داشتند که موقعی که از گرمسیر بازمی گشتند بازهم بدیدن خان میآمدند و برای خان دیدنی میآوردند. دیدنی هائی که در سال ۱۳۲۷ این طایفه برای خان آوردند عبارت بود از:

۴۰۰۰ ریال	گاوتر (ورزا) یک جفت
۲۰۰۰ ریال	خرمیه کش یک جفت
۶۴۰۰ ریال	اکبره (بزغاله نر) ۱۶ راس
۳۵۰۰ ریال	بز ۵ رأس
۱۲۰۰ ریال	گاوه (بره نر) ۳ رأس
۵۰۰۰ ریال	روغن ۱۰ حلب
۱۸۰۰ ریال	قند ۴۰ کله
۳۰۰۰ ریال	قالیچه یک جفت
۲۶۹۰۰ ریال	جمع -

درآمدهای مستمر خان منطقه «سی سخت»

سی سخت که در مشرق بویراحمد سفلی و در دامنه کوه دنا واقع شده است منطقه ای حاصلخیز است، مردم این منطقه در نیمی از سال از طریق گردنه های کوه دنا با شهرضای اصفهان در ارتباط اند.

در گذشته خان بزرگ منطقه سی سخت «ملاقبادسی سختی» بود، عرف محل برای خان منطقه درآمدی مستمر تعیین نموده بود که همه ساله وصول میگشت، محلیان جمع این وصولی ها را «منال» مینامیدند. ۱۶

منال ۱۷. گفتم که هدیه و پیشکشی که در آغاز در منطقه سی سخت جنبه تعارف داشت، رفته رفته بصورت مستمری درآمد و در زمان «ملاقباد» صورت تقریباً قانونی یافت که ساکنین در پرداخت آن ملزم بودند و گرنه بزور از آنها گرفته میشد و همین مستمری هدیه و پیشکشی بود که بنام «منال» نامیده میشد و وصول آن در محل جنبه عرفی داشت، بنابراین منال عبارت بود از: سهم خان از فرآورده های دامی و زراعی و متعلقاتی که بعنوان مختلف چه با رضایت و چه

۱۶- رجوع شود به: جواد صفی نژاد بررسی اجتماعی و اقتصادی سی سخت بویراحمد، گزارش شماره ۲ گروه عشایری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۴۷.

۱۷- یکی از محلیان آکله (بعقوب شغاری) میگفت «منال» یعنی بدون «آه و ناله» آنچه که خان طلب میکند بده و «ناله مکن».

بازوراز ساکنین گرفته میشود، بدین ترتیب منالی که بعنوان مختلف در منطقه سی سخت از ساکنین گرفته میشود عبارت بود از:

۱- زمین. رسم بر این بود که از هر گاو زمین (حدود ۷۰ تا ۱۰۰ من محلی ۵ ر۴ کیلوثی بذرافکن در دو آیش) حدود ۱۲۰ من محلی گندم یا جسو دریافت میشود، حال اگر بطور متوسط برداشت را يك تخم ده تخم حساب کنیم هر آیش بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ من محلی محصول برداشت میگردد که حداقل ۲۴ درصد و حداکثر ۳۴ درصد از کل محصول بشکل بهره مالکانه از زارع گرفته میشود، البته میزان قطعی این پرداخت را کسندخدا و «پاکار» معین میکردند. ۱۸

۲- روغن. علاوه بر محصولی که از هر يك گاو زمین دریافت میشود رسم بر این بود که يك من محلی ۵ ر۴ کیلوثی روغن هم به همراه محصول فوق جهت خان ارسال میگردد.

۳- گوسفند. از هر يك گاو زمین يك گوسفند هم بعنوان «گوشتی» توسط «پاکار» از زارع دریافت میشود.

۴- پول. رسم بر این بود که خان سالی یکبار برای خرید به شهر میرفت و این موقع بیشتر در پاییز انجام میگرفت. در این موقع پاکار و کدخدای هر (ده) یا (اولاد) باهم مشورت نموده و پولی که هر زارع بایستی بالاعوض برای خرید خان بپردازد مبلغش معین میشد و این رقم برای هر زارع معمولاً بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ تومان تعیین میشد که پرداخت آن قطعی و در لیستی جریان با اطلاع ملاقباد میرسید.

۵- هیزم. هر خان نوار وظیفه داشت که سالی یکبار هیزم برای سوخت ملاقباد ارسال دارد، نظارت و رسیدگی به این کار از وظایف پاکار بود.

۶- گله بگیری. رسم بر این بود که در هر پاییز بدستور ملاقباد پاکار و کدخدای ده ربه افراد رسیدگی میکردند و دو درصد (۲٪) از کل ربه به عنوان گله بگیری برای خان گرفته میشد.

۷- سوغات. افرادی که سرپرستی آنها بعهده ملاقباد بود در روز عید نوروز جمع شده دسته جمعی چیزی میخریدند و بعنوان سوغات بمنزل وی میبردند. این سوغاتی عبارت بود از قند، برنج و یا گوسفند، ولی کسانی که خود را به ملاقباد نزدیکتر میدانستند بطور جداگانه برایش سوغات میبردند.

۸- عروسی. در منطقه سی سخت هر فردی که ازدواج میکرد بایستی يك گوسفند بنام «شباش» برای ملاقباد بفرستد، بیشتر این گوسفند از طرف خانواده

۱۸- پاکار یعنی مأمور اجرای اوامر خان، دهات کوچک دارای يك پاکار و دهات بزرگ دارای دو پاکار بود، منطقه سی سخت جمعاً دارای ۱۳ پاکار بود.

داماد فرستاده میشد ولی ممکن بود خانواده عروس و داماد هر يك گوسفند جداگانه‌ای نیز بفرستند.

۹- **بیگاری**. هر خانوار ساکن منطقه موظف بود که در موارد زیر برای ملاقات بیگاری دهد:

الف: يك روز در سال جهت جمع‌آوری علوفه زمستانی.

ب: يك روز در سال جهت درو کردن گندم و جو.

ج: يك روز در سال جهت درو کردن شبنم.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی